شخصیت فرازمانی حضرت زهراء سلام‌الله‌علیها و ضرورت الگوگیری ـ علی فلاح‌رفیع
فصلنامه تخصّصي مطالعات قرآن و حدیث **سفینه**
سال یازدهم، شماره ۴۳ «ویژه پژوهش‌های فاطمی»، تابستان ۱۳۹۳، ص ۱۴۴ـ ۱۶۱

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.12.1]

شخصیت فرازمانی حضرت زهراء سلام‌الله‌علیها و ضرورت الگوگیری

علی فلاح‌رفیع *

چکیده: حضرت زهراء سلام الله علیها همچون دیگر معصومین علیهم‌السلام مظهر اتمّ و اکمل خداوند در عالَم وجوداند. شناخت ما از آن حضرت وابسته به ابزار شناخت ماست. امّا ابزار شناخت آدمی توان احاطه بر همهٔ ابعاد وجودی و کمالات ایشان را ندارد، لذا شناخت وی از سوی ما آدمیان نیز محدود خواهد بود. بنابراین اولاً شناخت حضرت زهراء سلام الله علیها ممکن است و نه ناممکن. ثانیاً شناخت ما کامل نیست؛ چراکه متکی به استعداد و توانایی قوای ادراکی محدود ماست. ثالثاً این شناخت محدود نیز می‌تواند افزایش یابد؛ یعنی شناختی است دارای مراتب که به معرفت نظری و عملی افراد و برخورداری و عدم برخورداری آنها از تجربه‌های دینی- عرفانی و قرب و بعد قلبی وابسته است. رابعاً فضایل وجودی آن حضرت در مراحل مختلف هستی بویژه در مرحله این جهانی، از جمله برخورداری از مقام عصمت کبری، برای انتفاع انسانها در همه دوره‌های حیات بوده است.

کلیدواژه‌ها: حضرت زهراء سلام‌الله‌علیها/ ابعاد وجودی/ضرورت الگوگیری/ خلقت نوری/ عصمت کبری/ مصحف/ تحدّث ملائکه/ شفاعت.

---

*. استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.12.1]

مقدمه

حضرات معصومین علیهم‌السلام از وسعت وجودی و از ولایت تکوینی و تشریعی برخوردارند، لذا نباید انتظار داشت شناختی که از آنان ارائه می‌شود لزوماً با معیارها و شاخصه‌های سنجش معمول بین ما انسان‌ها سازگار باشد؛ آن بزرگواران- از جمله حضرت زهراء سلام‌الله‌علیها- از مقاماتی ورای عوالم ما برخوردار بوده‌اند. بنابراین علوم و معارف آنها نیز بعضاً و نه تماماً، با نگرش و سنجش مبتنی بر تجربه‌های معمول سازگاری ندارد. در چنین مواضعی، این ماییم که می‌بایست دیدگاه خود را اصلاح کنیم و آن را ارتقاء دهیم. آن بزرگواران، همچون قرآنِ نازلند که مرتبهٔ خود را به حد فهم و درک عموم انسان‌ها تقلیل داده‌اند.

منابع معمولِ شناخت ما تجربه و عقل و نهایتاً شهود و مکاشفه‌هایی است که صحّت و سُقم آن می‌بایست با معیار قرآن و سنت سنجیده شود، این منابع، توانایی شناخت کامل آن بزرگواران را ندارند. زیرا قلمرو کاربرد و کارایی منابع ما، محدود به تجربهٔ این جهان است. از آنجایی که تجربه معصومین علیهم‌السلام به طور کامل برای ما رخ نداده است، لذا شناخت آن بزرگواران- از جمله حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها- از طریق این منابع چنانچه با کتاب و سنت هماهنگ باشد، قابل اعتماد است. تشخیص صحت و سُقم این شناخت‌ها، نیز بر عالمان کارآزموده و عارفانِ محقق و اندیشمند است.

ضرورت واکاوی و پژوهش مدام

جامعه انسانی، به‌طور مستمر، در همهٔ زمان‌ها و در همهٔ مکان‌ها، نیازمند واکاوی وجود مبارک معصومین علیهم‌السلام است. در هیچ زمانی این واکاوی نباید متوقف شود و کسی نمی‌تواند ادعا کند که هم‌اکنون به علت انجام پژوهش‌های

بسیار، نیازی به کار جدید وجود ندارد و ابعاد وجودی معصومین علیهم‌السلام شناخته شده است.

همان‌گونه که قرآن را همواره و مطابق نیازها و پرسش‌های زمانه می‌توان تفسیر کرد و آدمیان می‌توانند و می‌بایست از قرآن تفسیر متناسب عصر خود ارائه دهند، درباره معصومین و اهل بیت علیهم‌السلام نیز همین حکم جاری است. به تعبیر امام‌علی علیه‌السلام، اهل‌بیت نازل منزله قرآن‌اند. حضرت می‌فرماید:»فأین تذهبون؟ و انی توفکون؟ والاعلام قائمه و الایات واضحه و المنار منصوبه. فاین یتاه بکم؟ و کیف تعمهون؟ و بینکم عتره نبیکم و هم أزمّه الحق و أعلام الدین و السنه الصدق، فأنزلوهم بأحسن منازل القرآن و ردوهم ورود الهیم العطاش»؛ «مردم! کجا می‌روید؟ چرا از حق منحرف می‌شوید؟ پرچم های حق برافراشته و نشانه‌های آن آشکار است، با اینکه چراغهای هدایت، روشنگر راهند، همچون گمراهان به کجا می‌روید؟ چرا سرگردانید؟ در حالی که عترت پیامبر شما در میان شماست، آنها زمامداران حق و یقینند؛ پیشوایان دین، و زبان‌های راستی و صداقتند، پس باید در بهترین منازل قرآن جایشان دهید و همانند شتران تشنه‌ای که به سوی آب شتابانند، به سویشان هجوم ببرید» (نهج البلاغه، خطبه ۸۷/ بند ۱۴).

بر این اساس تحلیل زندگی امامان معصوم علیهم‌السلام و کلمات و سیره و سنت آن بزرگواران نیز–مانند قرآن– می‌تواند در هر عصری متناسب آن عصر باشد. مردمان در عصرهای خود، می‌توانند با کاوش در سیرهٔ آنان، پاسخ‌های متناسب با پرسش زمانه خود بیابند. چرا که آنان قرآن مجسم‌اند. البته این پاسخگویی می‌بایست از سوی کسانی صورت پذیرد که از علم و دانش کافی برای تفسیر و تحلیل از زندگی آنها برخوردار و روش آنان، روشی شناخته شده و مطابق منطقی باشد که آن بزرگواران ارائه داده‌اند. در غیر این صورت، تفسیر به رأی خواهد شد و به انحراف می‌گراید. تفسیر به رأی، همان‌گونه که در قرآن به

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.12.1]

شدت نهی شده، در تفسیر و تحلیل از سیره و سنت امامان نیز مردود است.

عصمت فاطمی

حقیقتِ ابعادِ وجودی حضرت زهراء سلام الله علیها، به کُنه مطلب بر ما مکشوف نیست. آن حضرت، معصومهٔ کبری است. یعنی هر چند از مقام نبوت برخوردار نبودند اما ملکهٔ عصمت، وی را از هرگونه گناه، امر ناپسند و خطا منع می‌کرد. کسی که از عصمت برخوردار است، معرفت او در حد تصور بشری نیست. در زیارت جامعه کبیره می‌خوانیم:

«عصمکم الله من الزلل و آمنکم من الفتن و طهرّ کم من الدنس و اذهب عنکم الرجس و طهرکم تطهراً» (شیخ صدوق، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ص ۱۶۷).

عصمت، امر خیلی پیچیده‌ای نیست که از زمان گذشته تا به امروز مورد پرسش و تردید عده‌ای قرارگرفته است. بعضی پنداشته‌اند اگر کسی معصوم باشد، مجبور و محکوم است تا گناه نکند و اگر چنین است، پس ارزش کار وی چیست؟ جواب روشن است.

اولاً عصمت ریشه در معرفت و اختیار دارد. هر انسانی در زندگیِ عملی خود، می‌تواند مرحله‌ای از عصمت را دارا باشد و هست؛ به عنوان مثال، فردی که می‌داند فلان استخر چند متر عمق دارد و او نیز شناگر نیست و به حکم عقل گردن می‌نهد، به هیچ وجه خود را داخل استخر نمی‌اندازد، چرا که آگاه به نتیجهٔ کار خود است و با تمام وجود می‌فهمد داخل استخر شدن، مساوی با غرق‌شدن و هلاکت است. و او هلاکت خود را نمی‌خواهد. همچنین انسانی که علم دارد فلان مادهٔ شیمیایی، قدرت کشندگی دارد و خوردن آن موجب مرگ می‌شود، به هیچ وجه لب به آن ماده شیمیایی نمی‌زند، مگر انسانی که از عقل و علم برخوردار نباشد. چون علم دارد که این ماده، همان ماده کشنده است و

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.12.1]

چون عقل دارد، نتیجه می‌گیرد که خوردن این مادهٔ شیمیایی، همراه با مرگ است. لذا آزادانه و از روی اختیار دست به چنان عملی نمی‌زند، نه اینکه نمی‌تواند بزند.

انسانِ معصوم، چون از معرفتی والا نسبت به حضور خداوند در عالَمِ وجود برخوردار است، در پیشگاه خداوند دست به گناه و خطا نمی‌زند. نه این که نتواند و دست او بسته باشد، بلکه به اختیار خود ادب حضور را در حد کمال آن – که اطاعت از خداوند و پرهیز از معصیت اوست – رعایت می‌کند.

انتفاع همگانی از عصمت

نکتهٔ مهم در این‌جا، آن است که عصمت این بزرگواران به نفع همه انسان‌ها بوده است. خداوند برای ارتباط با انسان‌ها و رساندن پیام خود به آنها در ساختار عالَم وجود، می‌بایست کسانی از جنس مردم قرار دهد تا بدون کم و کاست، پیام‌الهی را به بندگانش برسانند. به گونه‌ای که نه در نظر خطایی از آنان سر زند، نه در عمل، تا دیگر انسان‌ها بتوانند با اطمینان خاطر، بر اساس گفتار و رفتار آنان راهِ سعادت و کمال را با یقین کامل بپیمایند. نیاز به معصوم در عالَم وجود، نیازی کاملاً معقول و اجتناب‌ناپذیر است و فایده و نفع آن نیز به همه انسان‌ها برمی‌گردد. خداوند متعال به پیامبر خود می‌فرماید: «قُلْ لاَ أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْراً إِلاَّ الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبى» (شوری/ ۲۳)؛ «(ای پیامبر) بگو من هیچ اجری برای نبوت خود از شما نمی‌خواهم مگر مودّت اهل‌بیت خودم» و در جای دیگر فرمود: «ما سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ» (سبأ/۴۷)؛ «این مودّت که خواستم نیز به نفع شماست».

مقام عصمت، ریشه در معرفت دارد و آدمی به هر میزان از معرفت بالاتر برخوردار باشد از جایگاه برتری در عصمت برخوردار می‌شود.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.12.1]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.12.1]

ادلهٔ عصمت حضرت زهراء سلام‌الله‌علیها

ادلّهٔ عصمت آن حضرت بسیار است که در اینجا مجال احصاء آنها نیست. مثلاً آیهٔ مبارکهٔ تطهیر. بنا به روایات مستند از سوی فریقین، حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها از جمله اهل‌بیت شمرده شده‌اند که خداوند طهارت و پاکی آنها را از هر گونه رجس و پلیدی گناه و خطا و نسیان ضمانت کرده است: «انّما یریدالله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهّرکم تطهیرا» (احزاب/۳۳)؛ منظور از اهل بیت در این آیه، امام علی، حضرت زهراء، امام حسن مجتبی و امام حسین علیهم‌السلام می‌باشد (حاکم نیشابوری، ۱۴۲۲ ق، ج ۳، ص ۱۵۸).

همچنین سخن حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌وآله در شأن دختر خود، که "یا فاطمه انت منّی و انا منک" (علامه مجلسی۱۴۰۴ ق، ج ۴۳، ص۳۲) بدون تردید بر عصمت حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها دلالت می‌کند که علمای بزرگی مثل شیخ‌مفید، سیدمرتضی علم الهدی نیز بر آن تأکید ورزیده‌اند.

حتی فخررازی که در هر مسأله‌ای از مبدأ تا معاد تشکیک کرده است، در عصمت حضرت سیدة نساء العالمین، تسلیم محض بوده و معتقد است در عصمت و طهارت آن حضرت، جای شک و تردید نیست (فخررازی ۱۳۶۵ ش،ج ۶، ص ۸۳).

فاطمه سلام‌الله‌علیها، دارای منزلتی قدسی در قالب و صورت بشری است. لذا پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله، آن حضرت را انسیه حوراء لقب داده‌اند و به عصمت کبری ستوده‌اند (ابن حجر هیثمی، ۱۹۹۶ م، ص۹۶).

فضائل معصومین علیهم‌السلام به دو دسته تقسیم می‌شود:

۱. صفاتی که ویژه آن‌هاست و به علت شأن و مقام بلند آنها، دیگران نمی‌توانند بدان دست یابند و یا دستیابی به آنها حتی در صورت رشد معرفت و مراقبه مدام، بسیار اندک است.

۲. دستهٔ دیگری از صفاتِ آن بزرگواران، برای انسان‌ها کاملاً قابل الگوگیری است. همه باید از آن‌ها بیاموزیم و سیره وسنت آنان را در عمل پیاده کنیم. عمدهٔ هدف از رسالت و ولایت نیز در این بخش دوم و امکان الگوگیری از آنهاست. قرآن کریم می‌فرماید: «و لکم فی رسول الله اسوة حسنه» (احزاب/۲۱)؛ امیرالمؤمنین علیه‌السلام در کلامی فرمود: شما نمی‌توانید مثل من باشید «و لکن اعینونی بورع و اجتهاد و عفّه و سداد...»؛ «اما با ورع، کوشش، عفت و خویشتن‌داری و استواری مرا یاری کنید» (نهج‌البلاغه/ نامه ۴۵)؛ یعنی تمسک به صفات، سیره و سنت من بجویید.

فضائل مختص به حضرت زهرا سلام‌الله‌علیها که ما را به حریم آن حرم راهی نیست، از مقام عنداللهی و جایگاه لدی الخالقی آن بزرگوار نشأت می‌گیرد. این دسته فضائل ناشی از ابعادی از وجود آن بزرگوار است که فوق بشر عادی است. اما فضائل قابل الگوگیری حضرت بسیاراند که تأسی به آنها برای هدایت و سعادت ابدی آدمیان امری ضروری است.

برخی از ابعاد فضائل حضرت زهراء سلام‌الله‌علیها مربوط به قبل از خلقت و آفرینش، برخی مربوط به این جهان و برخی مرتبط با سرای دیگر است. در این گفتار به طور اجمال و در حد میسور به این سه قسم فضائل می‌پردازیم.

خلقت نوری قبل از آفرینش

درباره منزلت و مقام حضرت فاطمهٔ زهراء سلام‌الله‌علیها قبل از آفرینش کائنات، روایات مستندی داریم که بعضی از آنها را در این مجال بیان می‌کنیم: در روایتی از امام صادق علیه‌السلام آمده است که حضرت فرمود: قال رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: خلق الله نور فاطمة قبل ان یخلق الارض و السماء؛ پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: خداوند نور فاطمه سلام‌الله‌علیها را قبل از خلقت زمین و آسمان آفرید.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.12.1]

فقال بعض الناس؛ یا نبی‌الله! فلیست هی انسیّا؟ فقال: فاطمة حوراء انسیّه خلق‌الله عزوجل من نوره قبل ان یخلق آدم؛ اذ کانت الارواح. فلّما خلق الله عزوجل آدم عُرِضَت علی آدم»؛ «بعضی از مردم به پیامبر عرض کردند: ای رسول خدا، یعنی فاطمه از جنس بشر نیست؟! حضرت فرمود: (چرا) فاطمه حوریه‌ای از جنس بشر است که خداوند متعال از نور خودش قبل از خلقت آدم او را آفرید؛ و او پیوسته به صورت روح بود تا اینکه خداوند آدم را خلق کرد و (سپس) فاطمه‌علیهاالسلام را به او نشان داد. (و بر ولایت و محبت او و فرزندانش از حضرت آدم اقرار گرفت)».

قیل: یا نبی‌الله (درک این حقیقت مشکل بود لذا اصحاب مرتب سوال می‌کردند) و أین کانت فاطمه؟ قال: کانت فی حقه تحت ساق العرش. دوباره سؤال کردند: ای پیامبر خدا! پس فاطمه‌علیهاالسلام کجا بودند؟ حضرت فرمود: در محلی از عرش الهی. برای بار سوم سؤال کردند: غذای ایشان چه بود؟ حضرت فرمودند: تسبیح و تهلیل و تمجید خداوند.»

قالوا: یا نبی الله! فما کان طعامها؟ قال: التسبیح و التهلیل و التمجید (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴۳، ص ۴).

فهم این مطلب و درک واقعیت و حقیقت آن برای ما- به ویژه با اُنس به امور دنیوی و محوریّت علوم حسی و تجربی- بسیار مشکل است. لیکن ما باید خود را از این فضا خارج کنیم و در روش‌شناسی خود تجدید نظر کنیم تا بتوانیم این معارف را بهتر درک کنیم. چنان‌که در صدر اسلام بعضی از اصحاب به گونه‌ای بودند که درک این مطلب برای آنها خیلی مشکل نبود.

در حدیث معروف کساء هم به این خلقت قبل از آفرینش تصریح شده است.

«فقال‌الله عزوجل: یا ملائکتی و یا سکان سماواتی! انی ما خلقت سماء مبنیه و لا ارضاً مدحیه و لا قمراً منیراً و لا شمساً مضیئه و لا فلکا یدور و لا بحراً یجری و لا فُلکاً یسری الا فی محبه هولاء الخمسه الذینهم تحت الکساء» (طریحی، ۱۴۱۲ ق، ص ۸۹).

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.12.1]

در آیات و روایات بسیار بر این خلقت اشاره شده است، از جمله در حدیث معروف که می‌فرماید: «انّما اخذ الله عزوجل ابراهیم خلیلاً لکثره الصلاة علی محمد و اهل بیته صلوات الله علیهم» (صدوق، ۱۴۱۶ ق، ج ۱، ص ۳۴).

مستند و قابل قبول بودن این احادیث موجب گردیده که برخی از علماء اهل تسنن نیز اقرار کنند که درک حقیقت مقام بلند آن حضرت برای ما ممکن نیست. برای نمونه استاد دکتر محمد سلیمان فرج می‌نویسد: «ان فضل السیدة فاطمة الزهراء (رضی الله تعالی عنها) سیده نساء العالمین لا یستطیع احد ان یحیط به. لما لها من مکانه عظمی و مقام کریم. فهی بضعه من رسول الله ﷺ لما رواه البخاری انه صلی الله علیه و آله قال: فاطمة بضعه منی یغضبنی ما اغضبها. و فی روایة: فمن اغضبها اغضبنی. و لذالک فهی افضل نساء العالمین علی الاطلاق من بدء الدنیا الی القیام الساعه؛ لانها جزء من رسول الله ﷺ. افضل الخلق طراً باجماع الامه»؛ «به فضیلت فاطمه زهرا (رضی‌الله‌تعالی‌عنها) سرور زنان عالمیان کسی نمی‌تواند احاطه پیدا کند، چرا که او دارای منزلت عظیم و مقام والایی است، او پاره‌ای از وجود رسول خداست. به جهت آنچه بخاری روایت کرده که پیامبر ﷺ فرمود: فاطمه پاره‌ای از من است، مرا به غضب می‌آورد آنچه که او را به غضب آورد. و در روایت دیگری آمده است: هر چه او را به خشم آورد مرا به خشم آورده است. لذا او برترین زنان عالمیان به طور مطلق از شروع دنیا تا روز قیامت است، چرا که او جزئی از رسول خدا ﷺ می‌باشد که به اجماع امت برترین مخلوقات است.

سلیمان کتانی نویسنده مسیحی نیز در مقام حضرت فاطمه سلام الله علیها می‌نویسد: «ان فاطمه الزهراء هی اجل من ان تشیر الیها الاسانید و اکرم من ان تدّل علیها السرود»؛ «فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها مقامی والاتر از آن دارد که سندهای تاریخی به سوی او اشاره کنند و گرامی‌تر از آن است که شرح حال گونه‌ها وی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.12.1]

را بشناسانند» (سلیمان کتانی، ۲۰۱۴ م، ص ۳).

زینب حکیم شحاده از نویسندگان سنی سوری در مقدمه کتابش به نام «فاطمه الزهراء ...» گوید: «انی اتهیب الدخول فی حیاتک یا سیدی، و انت التی قال فیها رسول الله الذی لا ینطق عن الهوی ولا یتأثر بنسب او سبب: فاطمه بضعه منی، من آذاها فقد آذانی و من احبّها فقد احبّنی، فاطمه سیده نساء العالمین»؛ «من از وارد شدن در زندگی تو ای سرور من، خوف دارم؛ زیرا تو کسی هستی که رسول خدا ﷺ که از روی هوای نفس سخن نمی‌گوید و از سبب یا نسب متأثر نمی‌گردد درباره‌ات فرمود: فاطمه پاره‌ای از من است، هر کس او را آزار دهد به طور حتم مرا آزرده و هر کس او را دوست بدارد به طور قطع مرا دوست داشته است. فاطمه سرور زنان عالمیان است» (حکیم شحاده، ۱۹۹۴م، ص ۸۷).

پیامبر گرامی اسلام اول ما خلق‌الله است، چنان که خود در احادیث متعدد و مستند به این حقیقت تصریح فرمود. فاطمه زهراء سلام‌الله‌علیها نیز پاره‌ای از حقیقت آن حضرت است. پس فاطمه‌زهراء سلام‌الله‌علیها نیز اول ما خلق‌الله (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۲۶۹) است. چنان که در حدیثی حضرت فرمود: اگر من نبودم خداوند عالم را خلق نمی‌کرد (لولاک لمّا خلقت الافلاک) و اگر علی علیه‌السلام نبود خداوند مرا خلق نمی‌کرد و اگر فاطمه زهراء سلام الله علیها نبود، خداوند ما دو را خلق نمی‌کرد. این حدیث، معانی بسیار بلند و عقل‌پسندی دارد. یک معنای آن این است که ولایت ادامهٔ نبوت و مکمل آن است، با فاطمه زهراء سلام‌الله علیها ادامه می‌یابد؛ واسطه این تکمیل، فاطمه‌زهراء سلام‌الله‌علیها است. نیز در حدیثی که طبق آن پیامبر خطاب به دخترش فرمود: «یا فاطمة! انت منی و انا منک» (علامه مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۴۳، ص۳۲). این سخنی تعارف‌آمیز نبود، بلکه یک حقیقت متعالی و با عظمت در خلقت آن حضرت بود.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.12.1]

تجلیات عرشیه این جهانی

از فضایل آن حضرت آنچه مربوط به این جهان است برای نمونه به دو مورد اشاره می‌کنم.

اول. تحدّث ملائکه

از امام صادق علیه‌السلام وارد شده است که فرمودند: «انّما سُمّیت فاطمة «محدّثه»، لانَّ الملائکة کانت تهبط من السماء فَتُنادیها کما تُنادی مریم بنت عمران، فتقول: یا فاطمه «انّ الله اصطفیک و طهرّک و اصطفیک علی نساءالعالمین» یا فاطمه «اقنُتی لربّک و اسجُدی و ارکعی مع الرّاکعین» فتُحدّثهُم و یُحدّثونها، فقالت لهم ذات لیلة: أَلیستِ المُفَضّلة علی نساء العالمین مریم بنت عمران؟ فقالوا: انّ مریم کانت سیدة نساء عالمها، و انّ الله عز وجل جعلک سیدة نساء عالمک و عالمها، و سیدة نساءالاوّلین و الآخرین» (شیخ صدوق، ۱۳۷۶، ص۲۰۰)؛ «امام صادق علیه‌السلام فرمودند: اینکه فاطمه محدّثه نام گرفت، بدین جهت است که ملائکه الهی از آسمان بر آن حضرت هبوط می‌نمودند و همانطور که با حضرت مریم دختر عمران علیهاالسلام حرف می‌زدند با ایشان نیز سخن می‌گفتند. زمانی ملائکه به وی گفتند: ای فاطمه به راستی خداوند متعال ترا برگزیده و مطهّر ساخته است و تو را بر همهٔ زنان هر دو جهان برتری داد.» ای فاطمه «برای پروردگارت قنوت کن، سجده نما و به همراه رکوع‌کنندگان رکوع کن». پس فاطمه با ایشان حرف می‌زدند و ایشان با حضرت فاطمه سخن می‌گفتند، تا اینکه شبی حضرت خطاب به ملائکه فرمودند: مگر حضرت مریم دختر عمران برترین زنان عالم نبود؟ ملائکه در جواب عرض کردند: (ای فاطمه!) همانا مریم علیهاالسلام فقط سیدهٔ زنان روزگار خودش بود، در حالیکه خداوند

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.12.1]

متعال شما را سیدهٔ زنان عصر او و عصر خودت و سیدهٔ همه زنان عالم از اول خلقت تا آخر آن قرار داده است».

آنچه در این حدیث مورد تأکید و استناد است، محدثه بودن آن حضرت است. اگر آن حضرت محدثه است بنابراین از علومی برخوردار است که دیگران از دسترسی به آن عاجزاند.

دوم. مصحف

به تصریح روایات مستند، حضرت دارای مصحفی بودند که علوم دور از دسترس دیگران که مهمترین آن حوادث و رویدادهای عالم است، در آن مصحف گردآوری شده و در نزد ائمه علیهم‌السلام و اکنون در نزد صاحب امر (عج) نگهداری می‌شود. (در فصل دوم به طور مشروح‌تر به مصحف حضرت پرداخته می‌شود).

فضایل عرشیه آن جهانی

۱. اولین شخص وارد در بهشت

بر اساس روایات، حضرت اولین شخصی است که در قیامت، پای در بهشت الهی می‌گذارد. در حدیثی پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: اول شخص یدخُل الجنّة فاطمة (متقی هندی، ۱۴۲۴ ق، ج ۱۲، ص ۱۱۰).

۲. شفاعت از شیعیان و دوستان

آن حضرت علاوه بر اینکه خود وارد بهشت می‌شوند، دوستان و پیروان خود را نیز شفاعت می‌کنند تا آنها نیز با وی وارد بهشت بشوند. امام رضا علیه‌السلام فرمود: قال رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله: «انّی سمّیتُ ابنتی فاطمة لانَّ الله (عزوجل) فطمها و فطم من احبّها من النّار» (امالی طوسی، ۱۴۱۴ ق، ص ۲۹۴).

امام رضا علیه‌السلام به نقل از رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «همانا من اسم دخترم را فاطمه

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.12.1]

گذاشتم؛ چرا که خداوند (عزوجل) ایشان و محبانش را از آتش جهنم باز داشته است.» فَطَم در لغت عرب به معنای «جدا کردن» و فاطمه «جدا کننده» و «بازدارنده» است. که مذکر آن نیز «فاطم» می‌باشد.

در حدیث دیگری آمده است: قال رسول‌الله ﷺ: «یا فاطمة! أبشری؛ فلک عند الله مقام محمود تشفعین فیه لمحبّیک و شیعتک فَتُشَفَّعین. یا فاطمة! لو اَنَّ کُلَّ نَبی بعثه الله و کل ملک قرّبه، شفعوا فی کل مبغض لک غاصب لک ما اخرجه الله من النار ابداً» (شیخ‌حرعاملی، ۱۴۱۴ق، ج۱۱، ص۵۱۸)؛ «رسول‌خدا ﷺ خطاب به حضرت فاطمه سلام‌الله علیها فرمودند: ای فاطمه مژده باد تو را که نزد خداوند شأن و منزلت پسندیده‌ای از آن توست؛ و برای دوستان و محبّین و شیعیان خود شفاعت کرده و شفاعتت در حقّ آنان پذیرفته خواهد شد.

ای فاطمه! اگر تمام پیغمبران و فرشتگان مقرّب خداوند از کسانی که با تو دشمنی کنند و حقّ تو را غصب کنند، شفاعت نمایند (شفاعتشان پذیرفته نخواهد شد و خداوند متعال آنان را از آتش و عذاب جهنم نجات نخواهد داد).

۳. اشراف بر صحنه قیامت

ورود فاطمه سلام‌الله‌علیها به صحنه قیامت و دستور احترام و تکریم جبرئیل به آن حضرت شاهد دیگری بر عظمت شأن آن بزرگوار است. در حدیثی پیامبر گرامی اسلام ﷺ فرمود: «اذا کانَ یومُ القیامةِ تُقْبَلُ ابنتی فاطمةُ علی ناقه مِنْ نُوَقِ الجنّه مُدَبجَهَ الجَنْبینِ خِطامُها مِنْ لؤلؤٍ رُطْبٍ، قَوائِمُها مِنْ الزُّمردِ الاخضرِ، ذَنْبُها مِنْ المِسْک الاَذْفَرِ عَیناها یاقوتتان حمراوان، علیها قبّه من نورٍ یری ظاهرها من باطنها و باطنها من ظاهرها، داخلها عفو الله، و خارجها رحمه الله، علی رأسها تاج من نور، للتاج سبعون رکنا، کل رکن مرصع بالدر و الیاقوت، یضیءُ کما یضیءُ الکوکب الدری فی افق السماء، و عن یمینها سبعون الف ملک، و عن شمالها سبعون الف ملک؛ و جبرائیل اخذ بخطام الناقه، ینادی بأعلی صوته: غضّوا ابصارکم حتی تجوزَ فاطمه بنت محمد.

فلا یبقی یومئذٍ نبی و لا رسول و لا صدیق و لا شهید، الّا غضّوا ابصارَهُم، حتی تجوز

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.12.1]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.12.1]

فاطمه فتسیر حتی تحاذی عرش ربها –جل جلاله– فتزج بنفسها عن ناقتها، و تقول: «الهی و سیدی، احکُم بینی و بین من ظَلَمَنِی، اللهم احکم بینی و بین من قتل ولدی». فاذا الندآءُ من قبل الله –جل جلاله– «یا حبیبتی وابنه حبیبی! سلینی تعطی، و اشفعی تُشَفَّعی، فو عزتی و جلالی، لَأُجازی ظلم ظالم».

فتقولُ: «الهی و سیدی! ذریّتی و شیعتی و شیعه ذریّتی و محبی و محبی ذریّتی». فاذا الندآءُ من قبل الله – جل جلاله: «این ذریّه فاطمه و شیعتها و محبُّوها و محبُّو ذریتها!؟» فیقبلون، و قد احاط بهم ملائکه الرحمه، فتُقَدِّمُهم فاطمه علیها السلام حتی تدخلهم الجنه» (شیخ صدوق، ۱۳۸۹، ص ۳۲).

«رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: آنگاه که روز قیامت بر پا شود، دخترم فاطمه علیها السلام در حالی که سوار بر ناقه‌ای از ناقه‌های بهشتی است ظاهر می‌شود و دو طرف ناقهٔ آن حضرت مزّین است و مهار آن از مروارید تازه و سبز رنگ و پاهای آن از زمرّد سبز و دم آن مُشک خوشبو و چشمانش از یاقوت سرخ است. بر بالای آن ناقه قبّه‌ای از نور است که ظاهرش از باطنش و باطنش از ظاهرش پیداست و داخل آن نور عفو الهی و خارجش رحمت‌الهی است. بر سر آن حضرت تاجی از نور است که هفتاد رکن دارد و هر رکنِ آن با درّ و یاقوت مزّین است و همانند ستارهٔ درخشان در افق آسمان می‌درخشد و هفتار هزار ملک از جانب راست و هفتاد هزار ملک از جانب چپ، آن حضرت را همراهی می‌کنند و جبرائیل علیه السلام در حالیکه مهار ناقهٔ حضرت را در دست گرفته است با صدای بلند ندا می‌دهد:

«همگان چشمان خویش را برهم نهید تا فاطمهٔزهراء علیها السلام دختر رسول‌خدا صلی الله علیه و آله

عبور فرماید».

پس در آن روز هیچ پیغمبر و رسول و صدّیق و شهیدی نیست مگر آنکه چشمان خویش را بسته‌اند تا فاطمه علیها السلام عبور کند و در مقابل عرش الهی می‌ایستد و از ناقه‌اش پیاده می‌شود و به خداوند متعال چنین عرض می‌کند:

«ای اِله من و ای آقای من! بین من و کسانی که بر من ظلم کردند داوری کن. معبودا! بین من و کسانی که فرزندم را کشتند حکم نما.»

آنگاه، از جانب خداوند عزّوجلّ ندا می‌آید: «ای حبیبهٔ من و ای دختر حبیب من! هر چه میل داری از من بخواه تا عطا کنم، و از هر که می‌خواهی شفاعت نما تا شفاعتت پذیرفته شود، به عزّت و جلال خودم قسم می‌خورم که همهٔ ظالمان را مجازات خواهم نمود».

پس آنگاه حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها عرض می‌کند:

«اِله من و سیّد من! با ذرّیّه من و شیعهٔ من و شیعهٔ ذرّیّه من و دوستداران من و دوستداران ذرّیّه من مدارا کن!».

پس خداوند- جلّ جلاله- ندا می‌فرماید: «کجایند ذرّیّه فاطمه و شیعهٔ فاطمه و دوستداران فاطمه و ذرّیّه ایشان؟».

آن وقت، ذرّیّه و شیعه و دوستداران آن حضرت در حالی که ملائکه رحمت الهی ایشان را احاطه کرده‌اند جلو خواهند آمد و حضرت فاطمه علیها السلام در حالیکه در جلوی ایشان حرکت می‌کند همهٔ آنها را داخل در بهشت خواهد فرمود».

نکات قابل تأمل در این حدیث شریف بسیار است که بعضی از آنها از فهم و ادراک ما خارج است. اینکه حضرت سوار ناقه می‌باشد و خصوصیات ناقه، رنگ‌های آن، شکل و شمایل آن همه و همه اشاره به معانی بلندی دارد که ما نمی‌توانیم آنها را درک کنیم.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]
[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.12.1]

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.12.1]

اینکه حضرت در آن روز با عظمتِ وصف‌ناشدنی و اکرام و احترام بهت‌انگیز وارد صحرای محشر می‌شوند و اولین و آخرین از انبیاء و مرسلین و شهدا و صدیقین نظاره‌گر آن خواهند بود و بر مقام آن حضرت غبطه خواهند خورد، اشاره به جایگاه ویژه آن حضرت در انتقال نبوت پیامبر خاتم به ولایت و وصایت خاتم و هدایت جهانیان از یُمن وجود آن حضرت دارد، که در اینجا نیز عقل‌های ما از فهم کهنه این معنا عاجز است. همچنین است دیگر بخش‌های این حدیث از جمله تظلم آن حضرت، مطرح کردن شهادت فرزندش، خطاب الهی به آن حضرت و شفاعتش، همه نشان از مقام رفیع آن بزرگوار در درگاه خداوندی و جایگاه حضرتش در دایره گیتی و نظام هستی دارد.

گروه دوم. فضایل

بخشی از فضائل بانوی اسلام، مقامات و آثار عملی و نظری آن حضرت در حیات و زندگی این جهانی است.

از جمله آن مقامات ایمان و عبادت حضرت می‌باشد. پیامبر خدا در حدیثی فرمود: «إِنَّ ابنَتِی فَاطِمَةَ مَلَأَ اللَّهُ قَلبَهَا وَ جَوَارِحَهَا إِیماناً الی مشاشها، فَتَفرّغت لطاعته الله» (طبری، ۱۴۱۳ ق، ص ۱۳۹)؛ «براستی که خداوند متعال قلب و جوارح دخترم فاطمه سلام الله علیها را تا عمق وجودش مملوّ از ایمان کرده است و همانا او خود را برای اطاعت و عبادتِ الهی فارغ نمود». همچنین خانه‌داری حضرت، ادب و حرمت حضرت، وقار حضرت، ساده زیستی حضرت، عفت حضرت، تلاش و کوشش و خستگی‌ناپذیری حضرت، اطاعت محض حضرت از رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، اطاعت محض آن بانوی بزرگ از امیرالمؤمنین علیه‌السلام و به طور کلی همه آنات و لحظات زندگی و سیره عملی آن بزرگوار، شهادت بر عظمت مقام و جایگاه

وی دارد. از سوی دیگر احادیث و روایات به یادگار مانده از آن حضرت به ویژه خطبهٔ مشهور و معروف آن عالمهٔ محدثه که نشان از علم وافر ایشان دارد و سرشار از مضامین عالی و معانی بلند همراه با کشف حقایق مهم است.

نتیجه‌گیری

معصومین علیهم‌السلام به دلیل برخورداری از عصمت، از جایگاهی فرازمانی برخوردارند. بر همه انسانها در طول اعصار متوالی ضروری است تا شخصیت آنان را مورد واکاوی قرار داده و متناسب با زمان خود سیره و سنت آنان را الگوی زندگی خود قرار دهند.

حضرت فاطمه زهراء بر اساس روایات مستند از سوی رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به عصمت کبری ستوده و الگوی همه عالمیان به ویژه زنان، معرفی شده‌اند.

شخصیت برجسته حضرت‌زهراء سلام‌الله‌علیها در همه مراحل خلقت از ابتداء خلقت نوری تا انتهای عالم و در محشر کبری، ستودهٔ خالق سبحان و بهترین خلق او یعنی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و همه انبیاء و اولیای الهی است. این ستایش‌ها نیست مگر ضرورت روی آوردن همه آدمیان به ویژه مسلمانان و بالاخص شیعیان به آن حضرت و بهره‌گیری از برکات و فضائل آن بزرگوار. این بهره‌گیری را از سر استحباب و تفرعن نباید نگریست، بلکه همچون بهره‌گیری از نور و گرمای خورشید عالمتاب امری حتمی و ضروری است. هم سیرهٔ زندگی آن حضرت و هم کلام نورانی وی را می‌بایست با دقت مورد توجه قرار داد و در همه مراحل زندگی از آن بهره‌مند شد. سعادت و خوشبختی آدمیان در دو سرا میسر نیست مگر با تأسی به سیره معصومین علیهم‌السلام بویژه حضرت صدیقه طاهره. نوشتار حاضر با معرفی شمه‌ای از ابعاد وجودی آن بزرگوار در صدد برآمده است تا با ایجاد حساسیت و اثبات امکان الگوی از آن بزرگوار راهی

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.12.1]

برای این مهم بگشاید.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. شیخ صدوق، **عیون اخبار الرضا**، ج ۱، تصحیح علی اکبر غفاری، جامعه مدرسین، ۱۴۰۳ ق.

۲. کوفی، محمد بن سلیمان، **مناقب امیرالمؤمنین**علیه‌السلام، محقق، محمودی، محمدباقر، مجمع احیاء الثقافه الاسلامیه، ۱۳۸۱.

۳. حاکم نیشابوری، **مستدرک الصحیحین**، دار احیاء الراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ ق.

۴. فخر رازی، ابو عبدالله محمد بن عمر، **تفسیر کبیر**، ج ۶، معارف، ۱۳۶۵.

۵. شیخ صدوق، محمدبن علی بن بابویه، **علل الشرایع**، مؤسسه دار الحجه للثقافه، ۱۴۱۶ ق.

۶. کتانی، سلیمان، **فاطمه زهرا، وتر فی غمد**، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت‌علیهم‌السلام، ۲۰۱۴ م.

۷. شحاده، حکیم، **نبراس الرساله الاسلامیه**، موسسه النوری، دمشق، ۱۹۹۴ م.

۸. ابن شهر آشوب، ابو جعفر محمد بن علی، **المناقب**، مؤسسه علامه، ۱۳۷۹، ج ۳.

۹. شیخ صدوق، **امالی**، چاپ زائر، نوبت اول، ۱۳۸۹.

۱۰. طبری، محمد بن حریر، **دلائل الامامه**، انتشارات بعثت، ۱۴۱۳ ق.

۱۱. صدوق، محمد بن علی، **معانی الاخبار**، جامعه مدرسین، ۱۳۶۱ ش.

۱۲. مجلسی، محمد باقر، **بحارالانوار**، انتشارات الوفاء بیروت، ۱۴۰۴ ق.

۱۳. فخرالدین، محمد علی طریحی، **المنتخب**، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۴۱۲ ق.

ابن حجر، احمد بن محمد بن هیثمی، **صواعق المحرقه**، مؤسسه الرساله، بیروت، ۱۹۹۶ م.

۱۴. احسائی، ابن ابی جمهور، **عوالی اللئالی**، مطبعه سیدالشهداء، ۱۴۰۳ ق.

۱۵. متقی هندی، علاء الدین علی ابن حسام، **کنزالعمال**، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۴ ق.

۱۶. شیخ حر عاملی، محمد بن حسن بن علی، **وسائل الشعیه**، موسسه آل البیت علیهم‌السلام، ۱۴۱۴ ق.

۱۷. طوسی، محمد بن حسن، **امالی**، دارالثقافه، ۱۴۱۴ ق.

[Downloaded from mail.safinahmagazine.ir on 2026-11-20]

[DOR: 20.1001.1.17350689.1393.11.43.12.1]